



سالنامه علمی - پژوهشی
سال هفتم، شماره ۷، سال ۱۴۰۳

نقد دیدگاه آیت الله سیستانی

در حوزه اعتبار و اعتبار بخشی کامل الزیارات^۱

محمد عندلیب همدانی^۲، مرتضی حسینی^۳



چکیده

گواهی ابن قولویه در مقدمه کتاب کامل الزیارات، ریشه پیدایش سه دیدگاه کلان در توثیق روایان این کتاب شده است: برخی آن را دلیل بر وثاقت تمام روایان دانسته‌اند؛ برخی دیگر وثاقت مشایخ بی واسطه را با آن اثبات کرده‌اند؛ و بعضی مثل آیت الله سیستانی نیز معتقدند این مقدمه، دلالتی بر وثاقت مشایخ ابن قولویه ندارد؛ چه مشایخ باواسطه، و چه مشایخ بی واسطه. از این رو در این نگاه، شهادت مذکور فایده‌ای رجالی را به دنبال ندارد. ولی این دیدگاه خلاف ظاهر شهادت ابن قولویه است؛ چه اینکه این مقدمه ظهور در وثاقت دارد و دست کم

تاریخ تأیید: ۴۰۳/۵/۱۸

M.a.1339ir@gmail.com

Mortezahasani17@iran.ir

۱. تاریخ دریافت: ۴۰۲/۱۲/۲۰

۲. مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. طلبه درس خارج و سطح چهار مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، ایران.

می‌تواند به‌عنوان قرینه‌ای قوی، در حوزه اعتباربخشی، نقش آفرین بوده و وثاقت راویان بی‌واسطه را به اثبات رساند؛ گرچه این مهم، حتی بدون توجه به مقدمه کتاب، با توجه به جایگاه ابن قولویه و فقاہت ایشان نیز قابل اثبات است. از سوی دیگر از آنجا که در باور آیت الله سیستانی افزون بر سند، متن روایت هم باید با روح شریعت هماهنگ باشد، ایشان اعتبار برخی از روایات این کتاب را به لحاظ مضمونی، قابل تأمل دانسته است. از این رو ایشان برخی از روایات طولانی درباره ثواب زیارت حضرت سید الشهدا علیه السلام را نامعتبر، و مجعول با انگیزه‌های خیرخواهانه می‌دانند. اما این سخن نیز استواری لازم را ندارد؛ چون نه تنها چنین روایاتی در دیگر کتب نیز آمده است؛ بلکه هیچ‌گونه غرابتی که موجب عدم اعتبار شود، وجود ندارد.

واژگان کلیدی: کامل‌الزیارات، ابن قولویه، آیت الله سیستانی، وثاقت مشایخ بن قولویه، روایات زیارت سید الشهدا علیه السلام.

مقدمه

توثیقات عام، اصطلاحی رجالی است که اثر فراوان آن در وثاقت روایات حدیث بر دانشیان پوشیده نیست. امری که اگر ثابت شود، در کنار نوع دیگر از توثیق، یعنی توثیقات خاص که اعتبار آن مورد قبول همگان است، بسیاری از راویان احادیث را دارای اعتبار خواهد کرد، و غبار از چهره روایاتی که به جهت توثیق خاص نداشتن راوی آن، از قرار گرفتن در دایره استنباط فقهی و غیر فقهی خارج شده، و یا کمتر مورد توجه واقع شده است، خواهد زدود. توثیقاتی مثل مشایخ اصحاب اجماع، راویان تفسیر علی بن ابراهیم قمی، مشایخ جعفر بن بشیر و... از این دست توثیقات عام هستند. از این رو تحقیق در این عرصه دارای اهمیت بسزایی است و همین امر موجب شده است که بزرگانی از اهل علم، گام در این وادی نهاده و تحقیقاتی را ارائه دهند.

یکی از توثیقات عام پراهمیت، توثیق راویان کتاب شریف کامل‌الزیارات ابن قولویه است که بحث‌های فراوانی را به دنبال داشته است. ابن قولویه در مقدمه کتابش می‌نویسد:

«و إنما دعاني إلى تصنيف كتابي هذا مسألتك و ترداك القول عليّ مرة بعد أخرى تسألني ذلك و لعلمي بما فيه لي من المشوبة و التقرب إلى الله تبارك و تعالی و إلى رسوله و إلى علي و فاطمة و الأئمة عليهم السلام و إلى جميع المؤمنين بثبه فيهم و نشره في

إخواني المؤمنين على جملته فأشغلت الفكر فيه و صرفت الهم إليه و سألت الله تبارك و تعالی العون علیه حتى أخرجته و جمعته عن الأئمة عليهم السلام من أحاديثهم و لم أخرج فيه حديثاً روي عن غيرهم إذا كان فيما روينا عنهم من حديثهم كفاية عن حديث غيرهم و قد علمنا أنا لا نحيط بجميع ما روي عنهم في هذا المعنى و لا في غيره، لكن ما وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا رحمهم الله برحمته و لا أخرجت فيه حديثاً روي عن الشذاذ من الرجال يؤثر ذلك عنهم عن المذكورين غير المعروفين بالرواية المشهورين بالحديث و العلم و سميته كتاب كامل الزيارات.^۱

آنچه مرا به نوشتن این کتاب واداشت، تنها خواست و اصرار پی‌درپی شما بود. و از آنجا که می‌دانم نوشتن در این زمینه، و نشر آن در میان مؤمنان، پاداش فراوانی دارد و باعث تقرب به خداوند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، علی و فاطمه و ائمه علیهم السلام، و مؤمنان می‌گردد؛ پس فکر و همت خویش را بر این کار مشغول داشتم، و از خدای متعال خواستار یاری بر آن شدم تا اینکه از روایات ائمه، روایات زیارات را استخراج و جمع‌آوری نمودم. در این کار، حدیثی که از غیر ائمه باشد را ذکر نکردم؛ چون احادیث ایشان، از روایات دیگران کفایت می‌کند و نیازی به آنها نیست. مسلماً ما به تمام روایاتی که از ائمه رسیده، احاطه نداریم؛ اما آن روایاتی که از طریق افراد ثقة از امامیه به ما رسیده است [نقل می‌کنیم]، و حدیثی از راویان شاذ را که افراد ناآشنا به روایت، و ناشناس نسبت به احادیث و علم، از ائمه نقل نموده‌اند وارد نساختم و نام کتاب را کامل الزیارات گذاشتم.

دیدگاه‌های مختلفی در دلالت این مقدمه بر وثاقت راویان کتاب، مطرح شده که عمده آنها را می‌توان چنین بیان کرد:

یکم. توثیق تمام راویان کتاب کامل الزیارت؛ که باور صاحب وسائل^۲، و نیز محقق خوی^۳ پیش از عدول از این مبنا است.

ایشان قائل هستند که مراد ابن قولویه از واژه «أصحابنا» در مقدمه، وثاقت عام تمام روات کتاب است. از آنجا که برخی از مشایخ ابن قولویه توثیق خاص دارند، نیازی به توثیق

۱. ابن قولویه، کامل الزیارات، صص ۳ و ۴.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۲۰۲.

۳. خوی، معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۵۰.

به وسیله این مقدمه نخواهند داشت. ولی برخی از روایان که توثیق خاص ندارند، به سبب این مقدمه توثیق خواهند شد؛ و اگر شخصی از روایان کتاب، در کتب رجالی تضعیف شده بود، تعارض بین توثیق و تضعیف رخ می‌دهد، که باید قواعد تعارض اعمال شود.

دوم. توثیق مشایخ بی‌واسطه؛ که باور دانشیانی همچون محدث نوری^۱، و محقق خوبی پس از عدول از دیدگاه نخست است. به باور ایشان، منظور ابن قولویه تنها وثاقت روایان بی‌واسطه اوست. با توجه اینکه در میان روایان کامل الزیارات روایانی هستند که یقین به ضعف آنها وجود دارد، محقق خوبی با عدول از مبنای نخست خود، تنها توثیق مشایخ بی‌واسطه ابن قولویه را از عبارت استفاده نموده است.^۲

سوم. نفی دلالت مقدمه بر توثیق مشایخ: این دیدگاه جدیدی است که آیت الله سیستانی برگزیده است.^۳ شایان ذکر است که ایشان خود کتاب را نیز مورد اشکال دانسته، و نه تنها اعتبار بخشیدن کامل الزیارات به دیگر روایات و روایات را بر نتافته؛ که در اعتبار پاره‌ای روایات کتاب نیز تردید نموده است.

در این نوشتار دو بحث اساسی در نقد و بررسی دیدگاه آیت الله سیستانی مطرح می‌شود:

۱. نقد و بررسی دیدگاه ایشان نسبت به وثاقت عام روایان کتاب کامل الزیارات.^۴
۲. نقد و بررسی دیدگاه ایشان، مبنی بر ادعای وجود روایات نامعتبر و غیرقابل قبول در آن، که با انگیزه ترغیب به خیرات و دور نگاه داشتن مردم از زشتی‌ها جعل گردیده است.^۵

پیشینه

بسیاری از بزرگان درباره واکاوی مقدمه کامل الزیارات، و قلمروی دلالت آن بر وثاقت روایان کتاب، به بحث پرداخته، و دیدگاه‌های مختلفی را -همچون توثیق تمام روایان، توثیق

۱. نوری، خاتمة المستدرک، ج ۳، ص ۲۵۲.

۲. قمی، مبانی منهاج الصالحین، ج ۱۰، ص ۱۹۲.

۳. دیدگاه‌های دیگری نیز در مسئله وجود دارد؛ مثل دیدگاه صحت تنها یک روایت از هر باب. این دیدگاه را محقق تبریزی مطرح کرده و معتقد است شهادت ابن قولویه، بازگشت به عناوین هر باب از این کتاب دارد؛ به این معنا که در هر باب، دست کم یک روایت که روایان آن ثقة باشد، وجود دارد. تبریزی، صراط النجاة، ج ۲، ص ۴۵۷.

۴. سیستانی، قاعدة لا ضرر ولا ضرار، ص ۲۱.

۵. همو، تقریرات تعارض الأدلة و اختلاف الحدیث، صص ۳۷۷ و ۳۷۸.

راویان بی‌واسطه و نفی دلالت بر هرگونه توثیقی - مطرح کرده‌اند.

از جمله کتاب «قبسات من الرجال»^۱، نوشته سید محمدرضا سیستانی، و همچنین مقالاتی همچون «کامل الزیارات و شهادت ابن قولویه به وثاقت راویان» که دیدگاه آقای سید موسی شبیری زنجانی، مبنی بر دلالت مقدمه بر وثاقت مشایخ بی‌واسطه ابن قولویه را اثبات می‌کند^۲؛ و نیز مقالات «واکاوی ابهامات درباره انتساب کامل الزیارات به ابو قولویه»^۳ و «بررسی وثاقت راویان کامل الزیارات با تأکید بر دیدگاه آیت الله العظمی خامنه‌ای مدّ ظلّه العالی»^۴.

در سطور آینده، ضمن تبیین دیدگاه آیت الله سیستانی و نقد آن در مورد مقدمه کامل الزیارات، هم وثاقت مشایخ بی‌واسطه ابن قولویه ثابت خواهد شد؛ و هم شبهه آیت الله سیستانی نسبت به برخی روایات کامل الزیارات پاسخ داده می‌شود.

مفهوم‌شناسی

ماده «عبر» به معنای نفوذ و گذشتن از چیزی^۵ و از حالتی به حالت دیگر^۶ است، و «اعتبار» (از باب افتعال) به معنای امتحان، مقایسه و آزمودن چیزی معنا شده است.^۷ این واژه در حوزه بررسی روایت و روات، پرکاربرد است و هم کارکرد ایجابی دارد و هم کارکرد سلبی؛ به این معنا که گاهی با نشان دادن مشکلات سندی و گسست‌های متنی، زمینه تضعیف روایت را فراهم می‌کند، و گاه نیز با برنمودن جهات قوت سند و متن، موجبات صحت روایت را رقم می‌زند.

۱. سیستانی، قبسات من علم الرجال، ج ۱، صص ۸۹ تا ۱۲۴.

۲. شبیری زنجانی، «کامل الزیارات و شهادت ابن قولویه به وثاقت راویان»، پژوهش‌های رجالی، ش ۱، صص ۷-۳۰.

۳. پور موسی، «واکاوی ابهامات درباره انتساب کامل الزیارات به ابو قولویه»، فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (ع.ا.ه)، ش ۵۴، صص ۱ تا ۳۵.

۴. آجورلو، «بررسی وثاقت راویان کامل الزیارات با تأکید بر دیدگاه آیت الله العظمی خامنه‌ای مدّ ظلّه العالی»، پژوهشنامه فقه و علوم اسلامی، صص ۷۷-۹۲.

۵. ر.ک: ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۲۰۷.

۶. ر.ک: اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۵۴۳.

۷. ر.ک: فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۳۹۰؛ مدنی، الطراز الأول، ج ۸، ص ۳۵۲.

بررسی اعتبار یا عدم اعتبار روایات نیز دو نوع است: نخست؛ گاهی با نقد سند (نقد بیرونی) صورت‌پذیر است که خود دو رویکرد اصلی با دو مبنای متفاوت دارد^۱:

الف. رویکرد وثوق‌سندی: که با بررسی راویان سند، سنجش وثاقت و مذهب آنان، و نیز اتصال سند، روایت را به چهار گروه صحیح، حسن، موثق، و ضعیف تقسیم می‌کند، و بر اساس آن سه گروه نخست معتبر، و گروه چهارم نامعتبر محسوب می‌گردد. در این روش، رکن اصلی اعتبار روایات، بر روایان مبتنی است و قراین دیگر در اعتباربخشی و یا اعتبارزدایی، کمتر مؤثرند.

ب. رویکرد وثوق‌صدوری: یعنی اعتماد عقلایی بر مفاد خبر، با توجه به احراز میزان واقع‌نمایی آن. به عبارتی از آنجا که اخبار آحاد - برخلاف اخبار متواتر - نیازمند به قراین اطمینان‌بخش در ناحیه‌ی راوی، منبع و متن هستند، اگر براین قراین موجود در این سه حوزه به‌گونه‌ای باشد که اعتماد و وثوق عرفی از روایت به دست آید، آن خبر موثق‌الصدور خواهد بود، و اعتنا نداشتن به آن، عرفاً ناپسند شمرده می‌شود.

دوم؛ گاهی با نقد متن (نقد درونی) رخ می‌دهد. در این نوع از اعتبارسنجی، موافقت یا مخالفت محتوای روایات با قرآن کریم، سنت قطعی، عقل و... سنجیده می‌شود.^۲ در مقاله پیش رو در هر بخش رگه‌هایی از انواع اعتبارسنجی مورد توجه و بهره‌گیری قرار گرفته است.

گذاری بر کامل‌الزیارات

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن مسرور بن قُولُویَه قمی^۳ (م ۳۶۸ق) از راویان برجسته شیعه در قرن چهارم هجری است.^۴ در مورد جایگاه ایشان همین بس که

۱. محمدی ری شهری، شناخت‌نامه حدیث، ج ۱، صص ۲۶۰ و ۲۶۱.

۲. همان، ج ۲، ص ۶۳.

۳. مامقانی، تنقیح‌المقال، ج ۱۵، صص ۳۳۰ و ۳۳۱؛ افندی، ریاض‌العلماء، ج ۶، ص ۳۲.

۴. صفدی، الوافی‌بالوفیات، ج ۱۱، ص ۱۵۱.

نجاشی در مورد او گفته است: «هر آنچه که مردم از جمال، وثاقت و فقاقت دارند، او فوق آنها است.»^۱

شیخ کلینی از مشایخ معروف وی، و شیخ مفید از شاگردان برجسته ایشان است.^۲ از جمله آثار وی می‌توان از این کتب نام برد: کتاب الصلاة، کتاب الجمعة و الجماعة، کتاب قیام اللیل، کتاب الصّدق، کتاب قسمة الزکاة، کتاب الشهور و الحوادث.^۳ همچنین «کامل الزیارات»، که از مهم‌ترین آثار ابن قولویه است و به نام‌های «کامل الزیارة»^۴، «جامع الزیارات»^۵، و یا «کتاب المزار»^۶ نیز شناخته می‌شود. این کتاب از مهم‌ترین منابع شیعه در موضوع زیارات است که در ۱۰۸ باب، به فضیلت، ثواب، و آداب زیارت معصومان پرداخته است.

دیدگاه آیت الله سیستانی در حوزه اعتباربخشی کامل الزیارات

آیت الله سیستانی با لحاظ نمودن مقدمه کتاب به صورت یک‌جا، مراد ابن قولویه را به دست آورده است. ایشان در رساله قاعده «لا ضرر و لا ضرار»، به مناسبت نام «علی بن حسین سعد آبادی» از مشایخ ابن قولویه، ابتدا دیدگاه‌های دیگر را با توجه به مقدمه کامل الزیارات، در مورد توثیق سعد آبادی مطرح کرده و بیان می‌دارد: «وثاقت سعد آبادی، طبق هریک از دو دیدگاه کلان توثیق تمام راویان کتاب کامل الزیارات، و توثیق مشایخ بی‌واسطه ابن قولویه، در مورد مقدمه کامل الزیارات می‌تواند صورت گیرد.»^۷

ولی هیچ‌یک از دو دیدگاه مزبور، در نظر آیت الله سیستانی پذیرفته نشده و ایشان می‌افزاید: «درست آن است که عبارت مقدمه دلالتی بر وثاقت ندارد؛ بلکه مفاد آن این است که ابن قولویه خواسته است اعتمادی را به خواننده کتاب القا کند تا همان‌گونه که خود ایشان به روایات آن کتاب اطمینان کرده است، مخاطب وی نیز به آن روایات اطمینان داشته باشد؛

۱. نجاشی، فهرست، ص ۱۲۳.

۲. افندی، ریاض العلماء، ج ۶، ص ۳۲.

۳. صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱۱، ص ۱۵۱.

۴. ر.ک: افندی، ریاض العلماء، ج ۶، ص ۳۲.

۵. ر.ک: طوسی، الفهرست، ص ۴۲.

۶. ر.ک: امین، أعیان الشیعة، ج ۱، ص ۱۵۹.

۷. سیستانی، رساله قاعده لا ضرر و لا ضرار، ص ۲۱.

نه اینکه ملتزم باشد که همه روایات را از راویان و یا مشایخ ثقه خود نقل کند.» بنابراین ممکن است ابن قولویه حتی از راویان و مشایخ ضعیف هم روایت نقل کرده باشد.^۱ به نظر آیت الله سیستانی آنچه ابن قولویه بر آن ملتزم است، نقل روایاتی است که ناقدان حدیث، مثل محمد بن حسن بن ولید، سعد بن عبدالله اشعری و امثال ایشان، به آن احادیث اعتماد کرده باشند؛ اگرچه در آن احادیث، افراد ضعیف هم باشند.

به دیگر سخن: باور درست از نگاه سید سیستانی این است که عبارت ابن قولویه دلالت بر توثیق همه روایان، یا خصوص مشایخ بدون واسطه ندارد؛ بلکه ایشان می‌خواهد بگوید: وقتی بزرگان ثقات و مشهور به نقد حدیث؛ مثل محمد بن حسن بن ولید و سعد بن عبدالله اشعری، به روایاتی اعتماد کرده و آنها را نقل کرده‌اند، من هم آن روایات را نقل می‌کنم؛ و این، نه به معنای توثیق تمام رجال سند، و نه به معنای توثیق مشایخ بی‌واسطه است. بنابراین، خواننده کتاب نیز می‌تواند مانند صاحب کتاب، به روایات آن اعتماد داشته باشد. از این رو فایده‌ای رجالی بر مقدمه کتاب کامل الزیارات مترتب نیست.

ایشان برای دیدگاه خود دو دلیل می‌آورد:

۱. این دیدگاه از مجموع مقدمه قابل برداشت است؛ چون در صدر عبارت فرمود: «إِنَّا لَا نَحِيطُ بِجَمِيعِ مَا رَوَى عَنْهُمْ فِي هَذَا الْمَعْنَى وَفِي غَيْرِهِ، لَكِن مَّا وَقَعَ لَنَا مِنْ جِهَةِ الثَّقَاتِ مِنْ أَصْحَابِنَا»؛ و ذیل آن نیز بیان داشت: «و لَا أُخْرِجَتْ فِيهِ حَدِيثاً رَوَى عَنِ الشُّذَّازِ مِنَ الرِّجَالِ يُوَثِّرُ ذَلِكَ عَنْهُمُ عَنِ الْمَذْكُورِينَ غَيْرِ الْمَعْرُوفِينَ بِالرِّوَايَةِ الْمَشْهُورِينَ بِالْحَدِيثِ وَ الْعِلْمِ وَ السَّمِيَّةِ كِتَابِ كَامِلِ الزِّيَارَاتِ». از ظاهر صدر و ذیل عبارت، چنین استظهار می‌شود که نقل از شذاذ و ضعیفان صرفاً جایی بوده که مشایخ موثق او، از ضعیفان نقل کرده باشند.

۲. قراین خارجی نیز این دیدگاه را تأیید می‌کند؛ مراد آیت الله سیستانی از قرینه خارجی، این است که با مراجعه به کتاب کامل الزیارات و بررسی روایات آن، این مطلب به دست می‌آید که هر جا ابن قولویه روایتی را از راوی ضعیفی نقل نموده است، اعتمادش به حدیث، از جهت اعتماد به رجال ثقه و نقاد حدیث است.

از این رو نمی‌توان همه روایان کتاب، و یا حتی مشایخ بی‌واسطه را توثیق کرد؛ چراکه

۱. همان.

به طور قطع، برخی از روایات آن ضعیف هستند. همچنین نمی توان مراد ابن قولویه را در مقدمه، مشایخ مؤلف دانست؛ و حال آنکه برخی از ایشان مثل علی بن حسین سعد آبادی مجهول بوده و مشهور به حدیث نیستند.

بنابراین مقدمه کامل الزیارات چندان نتیجه عملی نخواهد داشت، و صرفاً نوعی اعتماد به خواننده کتاب می دهد که هر نوع حدیثی در آن مطرح نشده است.

نقد و بررسی دیدگاه آیت الله سیستانی

برای نقد و ارزیابی دیدگاه آیت الله سیستانی، ابتدا دیدگاه مختار به روشنی بیان، و سپس به بررسی دیدگاه و نقد ادله سید سیستانی پرداخته می شود.

دیدگاه برگزیده درباره مشایخ کامل الزیارات

به نظر می رسد مشایخ بی واسطه ابن قولویه موثق هستند؛ و این امر با عنایت به مقدمه کامل الزیارات و حتی بدون لحاظ آن قابل اثبات است. برای توضیح مطلب و بیان ادله، دوروش یادشده جداگانه پی گرفته می شود:

روش نخست؛ اثبات وثاقت مشایخ کامل الزیارات بدون لحاظ مقدمه

بر اثبات وثاقت مشایخ بی واسطه ابن قولویه، بدون لحاظ مقدمه کتاب، می توان ادله زیر را ارائه کرد:

۱. مدح ابن قولویه در کتب رجال، و جایگاه علمی ایشان

ابن قولویه از جمله دانشمندانی است که به تعبیر نجاشی فوق ثقه بوده، و خوبی های دیگران، از وثاقت و فقه را به صورت یک جا در خود جمع کرده است.^۱ شیخ طوسی نیز برای ابن قولویه تصنیفاتی را در دانش حدیث و ابواب مختلف فقه بیان کرده است^۲ و وی یک دوره فقه در فقه اصطلاحی داشته است. تمام اینها نشان از تبحر ابن قولویه در هر دو دانش فقه و حدیث دارد. از این رو، چنین شخصی نویسنده کتاب کامل الزیارات است و می داند که

۱. نجاشی، فهرست، ص ۱۲۳.

۲. طوسی، الفهرست، ص ۵۲.

چه چیزی می‌نویسد، و از چه کسانی آن را نقل می‌کند؛ چراکه در جایگاه یک فقیه، احادیث را سنجیده و تنها روایات پذیرفته شده، را آورده است.

البته ممکن است آیت الله سیستانی مبانی ایشان را نپذیرد؛ ولی به هر حال ابن قولویه طبق مبنای خود، سند و متن روایت را نقد کرده؛ و سپس روایت را آورده است.

۲. پیروی ابن قولویه از شیوه برخی از متقدمان در عدم نقل مستقیم از راویان ضعیف راویان برجسته، روایات را با ملاحظات خاص و در چارچوبی مشخص نقل می‌کردند. برای روشن شدن این ملاحظات، عباراتی از نجاشی ذیل ترجمه برخی افراد نقل می‌شود:

الف. در رقم ۱۰۵۹؛ ذیل ترجمه محمد بن عبد الله بن محمد بن عبید الله بن بهلول می‌گوید: «او در آغاز امر، ثابت در حدیث بود، و سپس دچار خلط شد...؛ من این شیخ را دیدم و روایات بسیاری از او شنیدم؛ سپس، نقل روایت از وی را متوقف کردم، مگر روایاتی که از طریق واسطه‌هایی که بین من و او بود، به من رسیده بود.»^۱ از این عبارت، روشن می‌شود که روش برخی از متقدمان این بوده که به صورت مستقیم از ضعیفان نقل روایت نمی‌کردند. اما اگر واسطه بود، به عهده او می‌گذاشتند.

البته باید توجه داشت، این سخن زمانی استوار است که شیخ و استاد بدون واسطه راوی، ثقه باشند؛ و الا اگر ثقه نباشند، امکان سندسازی توسط وی وجود دارد؛ گر چه در طریق آن سند، ناقدان حدیثی چون ابن ولید باشند.

عین همین مطلب در مورد ابن قولویه نیز صادق است؛ و اگر قرار است از ضعیفان نقل کند، حتماً باید شخص اول سند از ثقات بوده باشد؛ چراکه طبق برداشت آیت الله سیستانی از مقدمه کتاب کامل الزیارات، اعتماد خواننده به کتاب جلب نخواهد شد.

ب. در رقم ۲۰۷؛ ذیل ترجمه احمد بن محمد بن عبیدالله می‌گوید: «احادیث بسیاری شنیده بود؛ در آخر عمر دچار اضطراب در حدیث شد. این شیخ دوست من و پدرم بود و من او را دیده بودم و احادیث بسیاری را از وی شنیدم؛ اما دیدم که مشایخ ما، وی را تضعیف می‌کنند؛ بنابراین از او روایت نکردم (فلم أرو عنه) و اجتناب نمودم.»^۲

۱. نجاشی، فهرست، ص ۳۹۶.

۲. همان، صص ۸۵ و ۸۶.

در مورد عبارت «فلم أرو عنه» دو احتمال وجود دارد؛ نخست. اینکه نجاشی به صورت مستقیم از او نقل روایت نکرده باشد. دوم. اینکه حتی با واسطه هم از او نقل روایت نکرده باشد. اگر احتمال دوم درست باشد، روشن می‌شود که شیوه برخی از متقدمان این بوده که راویان ضعیف را نیز طبقه‌بندی کنند؛ و از برخی از آنان اصلاً روایت نقل نمی‌کردند؛ و از برخی نیز، با واسطه، نقل حدیث می‌نمودند.

ج. در رقم ۳۱۳؛ ذیل ترجمه جعفر بن محمد بن مالک فزاری می‌گوید: «او در نقل حدیث ضعیف بود؛ احمد بن حسین در مورد او گفته است: احادیثی را وضع می‌کرد و از افراد مجهول، نقل روایت می‌نمود. و از دیگری شنیدم که می‌گفت: او مذهب فاسدی دارد.» نجاشی در ادامه می‌افزاید: «نمی‌دانم شیخ بزرگوار و ثقه ما، ابو علی بن همام، و شیخ جلیل القدر ما، ابو غالب رازی، چگونه از او روایت نقل کرده‌اند؟»^۱ از این عبارت استفاده می‌شود که مشایخ این دوره، در صورت نقل حدیث از برخی روات ضعیف، مورد انتقاد دیگران قرار می‌گرفتند.

چنین برخوردی نشان از سیره بودن این دست اعتراضات، بر افرادی دارد که نوعی تخطی در کار آنها وجود داشت.

د. در رقم ۶۷۶؛ ذیل ترجمه علی بن حسن بن علی بن فضال می‌گوید: «سمع منه شيئاً كثيراً، و لم يعثر له على زلة فيه و لا ما يشينه، و قل ما روی عن ضعیف.»^۲ در این عبارت یکی از امتیازات راوی این است که از ضعیفان خیلی کم روایت نقل می‌کند. در ادامه عباراتی یاد می‌شود و طبق آن، گرچه راوی را ثقه دانسته است، اما روایت‌گری راوی از ضعیفان را هم بیان نموده است:

أ. در رقم ۶۸۸؛ ذیل ترجمه علی بن ابی سهل حاتم می‌گوید: «ثقة من أصحابنا في نفسه، يروي عن الضعفاء.»^۳

۱. همان، ص ۱۲۲.

۲. همان، صص ۲۵۷ و ۲۵۸.

۳. همان، ص ۲۶۳.

- ب. در رقم ۱۸۲؛ ذیل ترجمه احمد بن محمد بن خالد می گوید: «كان ثقة في نفسه، يروي عن الضعفاء واعتمد المراسيل.»^۱
- ج. در رقم ۹۴۴؛ ذیل ترجمه محمد بن مسعود بن محمد بن عیاش می گوید: «ثقة، صدوق، عين من عيون هذه الطائفة و كان يروي عن الضعفاء كثيراً.»^۲
- د. در رقم ۱۰۱۸؛ ذیل ترجمه محمد بن عمر بن عبد العزیز کشی می گوید: «كان ثقة، عينا، وروى عن الضعفاء كثيراً.»^۳
- هـ. در رقم ۱۰۲۰؛ ذیل ترجمه محمد بن جعفر بن محمد می گوید: «كان ثقة، صحيح الحديث، إلا أنه روى عن الضعفاء.»^۴
- و. در رقم ۱۱۴۸؛ ذیل ترجمه نصر بن مزاحم می گوید: «كوفي، مستقيم الطريقة، صالح الامر، غير أنه يروي عن الضعفاء.»^۵
- ز. در رقم ۱۴۴؛ ذیل ترجمه حسن بن محمد بن جمهور می گوید: «ثقة في نفسه، ... يروي عن الضعفاء ويعتمد على المراسيل.»^۶
- ح. در رقم ۲۰۲؛ ذیل ترجمه احمد بن محمد بن جعفر می گوید: «كان ثقة... مسكوناً إلى روايته، غير أنه قيل إنه يروي عن الضعفاء.»^۷
- با توجه به عباراتی که بیان شد، نجاشی افراد موثق را چند دسته می داند:
۱. برخی از راویان موثق هستند که تلاش می کنند از ضعیفان نقل نکنند.
 ۲. برخی از راویان موثق هستند که از افراد ضعیف کم روایت کرده اند.
 ۳. برخی دیگر از راویان موثق هستند که از افراد ضعیف، بسیار روایت می کنند.
- مسلم است که گروه نخست از همه برترند.
- حال با توجه به سخن نجاشی در مدح و تجلیل از ابن قولویه که او همه خوبی های

۱. همان، ص ۷۶.

۲. همان، ص ۳۵۰.

۳. همان، ص ۳۷۲.

۴. همان، ص ۳۷۳.

۵. همان، صص ۴۲۷ و ۴۲۸.

۶. همان، ص ۶۲.

۷. همان، ص ۸۴.

دیگران را دارد، باید دید که ایشان از کدام دسته خواهد بود؟

در اینجا باید توجه داشت، اینکه ابن غضائری می‌گوید: «افرادی مثل احمد بن محمد بن خالد که از ضعیفان نقل می‌کرده و به این دلیل از قم توسط احمد بن محمد بن عیسی بیرون شد»^۱، بدان معنا نیست که خود احمد بن محمد بن عیسی از افراد ضعیف، حدیثی نقل نکرده است، و یا در روایات وی روایت مرسله نیست؛ چراکه در کتب ایشان نیز روایات مرسله، و در سلسله روایات او نیز افراد ضعیف دیده می‌شود.

بدین لحاظ، باید عامل دیگری علت اخراج و نقد احمد بن محمد بن عیسی بر احمد بن محمد بن خالد باشد، و به نظر می‌رسد آن عامل نقل مستقیم وی از ضعیفان باشد. به عبارت دیگر، مشکل آنجا است که خود راوی، مرسل باشد و این سبب، علت قدح احمد بن محمد بن خالد و اخراج وی بوده است.

از این رو می‌توان باور داشت نقل روایت از افراد ضعیف دو گونه است:

۱. گاهی به صورت موردی است. اگر این گونه بوده و کم رخ داده باشد، می‌توان گفت راوی حتماً قرآینی بر صدور داشته است.

۲. گاهی موارد آن فراوان است. خود این فرض دو حالت دارد:

الف. آنجا که راوی هم به صورت مستقیم خودش روایت را ارسال کند، و هم بی‌واسطه از ضعیفان نقل کند. در اینجا قدح بر راوی به جا است، و علت اخراج احمد بن محمد بن خالد نیز به همین دلیل بوده است.

ب. آنجا که خود راوی ارسال نمی‌کند؛ بلکه در ادامه سند، ضعف و ارسال است. این نوع نقل روایت، حتی در روایات راویانی همچون ابن ابی عمیر نیز وجود دارد؛ چه رسد به افراد دیگر.

حال ممکن است اشکال شود که روایت مرسل، همه‌جا مرسل است؛ و روایت ضعیف، همه‌جا ضعیف است. از این رو بین دو حالت مزبور فرقی نبوده، و هر دو یکسان‌اند.

پاسخ این است که حالت دوم با حالت نخست تفاوت دارد؛ و نکته آن در این است که این دسته از روایات که ابن قولویه نیز جزء ایشان است، از شیخی که آن شیخ نیز به مشایخ

۱. ابن غضائری، الرجال، ص ۳۹.

پیش از خود اعتماد نمی‌کرد، نقل حدیث نمی‌کردند؛ بلکه تنها در صورتی که به هر دلیلی اعتماد بر آن شیخ داشتند، از او نقل روایت می‌کردند.

در مورد جناب ابن قولویه نیز همین ویژگی وی بوده که تمجید ویژه نجاشی را در پی داشته است که بگوید: «ایشان همه خوبی‌های دیگران را دارد؛ و از جمله این ویژگی‌ها، عدم نقل مستقیم او از ضعیفان، و عدم ارسال ابتدایی از آنها است»^۱.

بله؛ نمی‌توان گفت: تمام افرادی را که ایشان از آنها در کامل الزیارات نام برده و روایت کرده، ثقه دانست؛ چراکه چنین چیزی عملاً ثابت نیست؛ بلکه سخن در این است که اگر ایشان روایت مرسله، یا ضعیفی را نقل کرده است، قطعاً از شیخی از اصحاب شیعه که به وی اعتماد داشته، بوده است؛ نه اینکه آن شیخ از افراد شاذ باشد. این دقت در نقل نیز به خاطر فقاہت و درجه‌اعلای وثاقت ابن قولویه است که همه مشایخ را می‌شناخته و می‌دانسته است که به کدامیک می‌توان اعتماد کرد.

بنابراین نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که مشایخ بی‌واسطه ابن قولویه ثقه هستند؛ و این مهم، با عنایت به دو نکته، و بدون در نظر گرفتن مقدمه کتاب است:

۱. تأکید نجاشی در ترجمه ابن قولویه بر اینکه ایشان تمامی خوبی‌های راویان دیگر را در خود جمع نموده است. و می‌توان یکی از خوبی‌ها را این دانست که اگر در کتاب کامل الزیارات از روایت ضعیف نقل می‌کند، به واسطه مشایخ موثق است، و شیخ ثقه نیز باید در صدر سند باشد، و الا اگر خود آن مشایخ از افراد شاذ باشند، تعریف و تمجید نجاشی بر وی صادق نخواهد بود، و نیز برای مخاطب کتاب، اطمینان حاصل نخواهد شد.

۲. اینکه ابن قولویه همانند دیگر بزرگان از متقدمان، این امتیاز را داراست که نسبت به مشایخی که مستقیم از آنها روایت نقل می‌کرده است، دقت به خرج می‌داده، و از هر شیخی نقل روایت نمی‌کرده است.

روش دوم: اثبات وثاقت مشایخ کامل الزیارات با توجه به مقدمه وثاقت مشایخ بی‌واسطه ابن قولویه با توجه به مقدمه کامل الزیارات نیز ثابت می‌شود؛ و این

۱. نجاشی، فهرست، ص ۱۲۳.

مطلب، با توضیحی که در ادامه می‌آید قابل تبیین است.

از قرآینی به دست می‌آید که ابن قولویه، مقدمه را پس از تکمیل کتاب نوشته است:

الف. اینکه ایشان می‌گویند: «و لم أخرج فيه حديثاً روي عن غيرهم إذا كان فيما روينا عنهم من حديثهم - كفاية عن حديث غيرهم»، و نیز در ادامه تأکید می‌کند که «و لا أخرجت فيه حديثاً روي عن الشذاذ من الرجال»، می‌رساند که مقدمه را پس از نوشتن کتاب، و ملاحظه روایات آن نوشته است.

ب. اینکه ایشان نتیجه روایات مربوط به فضایل و مناقب اهل بیت، و ثواب و اجر زیارت ایشان را در خطبه قرار داده است، و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت می‌دهد که خود حضرت برای این امور ثواب قرار داده است، می‌رساند که ایشان، همه روایات را دیده، و آنچه که از ثواب زیارت و... در روایاتی که در این کتاب جمع کرده است را به‌عنوان گزارشی در مقدمه مطرح می‌کند.

ج. اینکه خطاب به کسی که از ایشان درخواست نوشتن چنین کتابی را کرده است می‌گوید: «أنا مبين لك أطل الله بقاءك ما أثنى الله به الزائر لنبية و أهل بيته عليهم السلام بالآثار الواردة عنهم عليهم السلام على رغم من أنكر فضلهم ذلك و جحده و أباه و عادى عليه». یعنی به‌رغم برخی که نمی‌خواهند بدانند این فضایل چقدر است، من اینها را نوشتم تا بدانید این زیارات چقدر ثواب دارد.

با توجه به این قرآین که بیان‌گر کتابت مقدمه پس از نوشتن کتاب کامل الزیارات است، وقتی ایشان طبق این مقدمه شهادت می‌دهد که حتی یک روایت را نیاورده است که حلقه وصل وی به آن روایت، از مشایخ شذاذ بوده باشد، چنین مطلبی، دست کم ظهور در وثاقت مشایخ بی‌واسطه ایشان خواهد داشت که قدر متیقن از عبارت هستند؛ و به مخاطب می‌فهماند که روایات موجود در کتاب وی گزینش شده، و با حلقه وصل محکمی به دستشان رسیده است.

اگر اشکال شود که همه مشایخ ابن قولویه معروف نیستند؛ پاسخ این است که مهم، شناخته‌بودن مشایخ ایشان در زمان مؤلف است، نه در زمان ما.

البته آنچه که در مورد وثاقت مشایخ ابن قولویه گفته شد، بدان معنا نیست که مقدمه

کتاب و روایات آن، حجت شرعی بر فقیه باشد؛ به گونه‌ای که بتواند به این مقدمه اکتفا کرده و به تمام روایات آن استناد فقهی کند؛ بلکه این مقدمه بخشی از حجت است؛ چون مؤلف معصوم نبوده و احتمال خطا در مورد وی و مستنداتش وجود دارد، و مسلم است که نظر مجتهدی بر مجتهد دیگر حجت نیست.

بله! نزدیکی ابن قولویه به زمان معصوم، و وجود قراین بسیار در دست وی، ایشان را از دیگران متفاوت می‌کند.

از آنچه که مطرح شد؛ به دست می‌آید که نمی‌توان به مانند آیت الله سیستانی، مقدمه کامل الزیارات را به کلی نادیده گرفت، و اثری رجالی را بر آن مترتب ندانست. همان‌گونه که نمی‌توان آن را به‌عنوان حجت شرعی تام و تمام به حساب آورد؛ بلکه باید مجموعه قراینی را کنار هم لحاظ نمود، و نقد سندی و دلالی صورت داد. یکی از آن قراین و شواهد، مقدمه این کتاب شریف - به‌عنوان قرینه‌ای با اهمیت فراوان - است.

دیدگاه آیت الله سیستانی در حوزه اعتبار کامل الزیارات

آیت الله سیستانی بر این باور است که روایات نامعتبر و غیر قابل قبولی در کامل الزیارات وجود دارد که توسط راویان، با انگیزه ترغیب به خیرات و پرهیز دادن مردم از زشتی‌ها جعل گردیده است.

آیت الله سیستانی، گواهی ابن قولویه را در مقدمه، دلیلی بر وثاقت مشایخ با واسطه و بی‌واسطه در کامل الزیارات ندانسته، و در نتیجه آن مقدمه را خالی از فایده رجالی شمرده است؛ از این رو ایشان به لحاظ سندی نمی‌تواند به صرف توثیق در مقدمه، اکتفا کند؛ و از آنجا که به نظر ایشان افزون بر نقد سند، متن روایت هم باید با روح شریعت هماهنگ باشد؛ بنابراین به لحاظ مضمونی هم، برخی از روایات این کتاب را قابل تأمل می‌داند.

به همین سبب، ایشان در بحث «تعارض الأدلة و اختلاف الحدیث» درس اصول، ذیل بیان علل و انگیزه‌های جعل احادیث، که ایشان یکی از آنها را ترغیب افراد به کارهای خیر، و دور کردن ایشان از شرور می‌داند، ملاحظاتی در مورد برخی از روایات کامل الزیارات از

۱. سیستانی، حجیة خبر الواحد، ص ۲۳.

جمله روایات اجر و ثواب زیارت حضرت سید الشهدا علیه السلام بیان می نماید.

ایشان در مقام بیان عوامل اصلی وضع و جعل حدیث، نخستین عامل را ترغیب افراد به امور خیر، و بازداشتن آنها از کارهای شر معرفی نموده و می گوید: گروهی با این هدف دست به وضع و جعل احادیث زده اند؛ افراد ظاهر الصلاحی که این کار خود را وسیله ای برای امر به معروف و نهی از منکران دیگران می دانستند، و بیشتر ایشان از اهل سنت بودند.^۱ ایشان ادامه می دهد: از این رو محمود ابوریّه، در کتاب «الأضواء علی السنة المحمدية»، فصلی را به عنوان «الوضاعون الصالحون» آورده است.^۲

آیت الله سیستانی این تفکر در وضع احادیث را، بین شیعیان نیز قابل تصور دانسته، و مصادیقی هم برای آن معرفی می کند. به باور ایشان، به همین خاطر است که در کتاب های رجالی، در ترجمه برخی افراد گفته شده است: «إنه كذاب وضاع أنه كان يجعل الأحادیث فی الخیرات»^۳؛ یعنی فلانی بسیار دروغگو و وضع کننده احادیث جعلی است، و پیوسته احادیثی را در مورد امور خیر وضع می کرده است. ایشان برخی از افرادی را که به این انگیزه وضع حدیث نموده اند نام می برد:

۱. عبد الله بن عبد الرحمن اصم: وی نخستین شخصیتی است که معرفی می شود. سید سیستانی می گوید: طبق نقل ابن غضائری و نجاشی^۴ این راوی ضعیف و غالی، کتاب مزار داشته است؛ و همین کتاب وی، از اصلی ترین منابع کامل زیارات محسوب می شود؛ و جناب ابن قولویه، ۳۰ مورد را از آن کتاب نقل کرده است که اغلب آن روایات طولانی و مشتمل بر امور «عجیب و غریب» است.^۵

۲. جعفر بن مالک فزاری: محقق سیستانی درباره جعفر بن محمد بن مالک فزاری می گوید: کتاب مزار وی نیز از مصادر کامل زیارات است.^۶

۱. سیستانی، تقریرات تعارض الأدلة و اختلاف الحدیث، ص ۳۷۵.

۲. همان، ص ۳۷۶؛ و نیز ر.ک: ابوریّه، الأضواء علی السنة المحمدية، ص ۱۳۸.

۳. همان.

۴. ابن غضائری، رجال، ص ۷۶، رقم ۸۷؛ نجاشی، فهرست، ص ۲۱۷، رقم ۵۶۶.

۵. سیستانی، تقریرات تعارض الأدلة و اختلاف الحدیث، ص ۳۷۶.

۶. همان، ص ۳۷۷.

آیت الله سیستانی، سخن نجاشی را در مورد او نقل می‌کند که ایشان گفته است: «همانا او ضعیف در حدیث بود و ابن غضائری وی را از واضعان حدیث، و راوی از افراد مجهول دانسته است؛ و من از برخی شنیدم که می‌گفت: او فساد در مذهب و روایت‌گری دارد. من نمی‌دانم؛ چگونه شیخ بزرگوار ما؛ ابو علی ابن همام، و شیخ جلیل القدر و ثقة ما ابو غالب رازی، از او روایت کرده‌اند؟!»^{۱-۲}

پس دو منبع برای کتاب کامل الزیارات وجود دارد که یکی مربوط به عبدالله بن عبد الرحمن اصم، و دیگری مربوط به جعفر بن محمد بن مالک فزاری است؛ و هر دو نفر ضعیف و از جاعلان حدیث هستند. از این رو می‌توان به راز وجود روایات طولانی، غریب و بعید در کامل الزیارات پی برد؛ روایاتی که چه بسا با انگیزه جلب مردم به زیارت جعل شده باشند. ایشان همین مقدار را بیان کرده و می‌گذرد. ظاهر آن است که مراد ایشان از روایات طولانی و جعلی توسط عبدالله بن عبد الرحمن اصم، روایاتی است که او برای ترغیب مردم به زیارت سید الشهداء علیه السلام بیان کرده است؛ چون اکثر روایاتی که عبد الله اصم در طریق آنها قرار دارد، روایات مربوط به زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام است.

نقد و بررسی دیدگاه آیت الله سیستانی

در ارزیابی سخن آیت الله سیستانی باید گفت:

۱. اگر مراد ایشان از امور غریب موجود در کامل الزیارات، ثواب‌های بسیار است؛ پاسخ این است که ثواب‌های یادشده بر زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام، ناظر به زیارت با معرفت است.
۲. اگر مراد ایشان از امور غریب، گریه زمین و آسمان و غیر آنها بر حضرت باشد؛ پاسخ این است که چنین روایاتی در منابع دیگر نیز آمده است.
۳. با واکاوی روایاتی که ابن قولویه از کتاب «مزار» عبد الله اصم نقل کرده، به دست می‌آید، ایشان روایاتی را از آن کتاب یاد کرده است که راویان آن، همه از اجلای امامیان

۱. ر.ک: نجاشی، فهرست، ص ۱۲۲، رقم ۳۱۳.

۲. سیستانی، تقریرات تعارض الأدلة و اختلاف الحدیث، ص ۳۷۷.

هستند. این مطلب می‌رساند که جناب ابن قولویه روایاتی را که آورده، مورد سنجش قرار داده و سپس بیان نموده است.

۴. در مقابل تضعیف عبد الله اصم، توسط رجالیان، بزرگانی از ثقات هم بوده‌اند که به‌طور مستقیم از او روایت نقل کرده‌اند. از این مطلب استفاده می‌شود که همه روایات وی کنار گذاشته نشده است.

۵. از کتاب «مزار» جعفر بن محمد بن مالک فزاری نیز بیش از ۶ روایت در کامل الزیارات ذکر نشده است، که ابن قولویه آنها از شیخ خود ابو علی همام که شیخ نجاشی بوده، یاد کرده است. نجاشی با تعبیر «شیخنا النبیل الثقة»، وی را ستوده است.^۱ افزون بر اینکه در روایات ایشان امور عجیب و نامعتبر مشاهده نمی‌شود. شرح و بسط موارد فوق در دو بخش بررسی می‌شود:

نخست؛ نقد دیدگاه آیت الله سیستانی به روایات عبد الله اصم

نقد و بررسی سخن آیت الله سیستانی درباره روایات عبد الله اصم از چند جهت قابل طرح است:

۱. واکاوی مراد از امور «غریب» در کامل الزیارات

در این روش باید بررسی شود که مراد ایشان از امور غریبه چیست؟ چه اینکه گاهی مراد از «غریب الحدیث»، احادیثی است که معنای آنها سخت است؛ که با توجه به مقام بحث، به‌طور یقین، منظور سید سیستانی چنین چیزی نیست.

از این رو مراد ایشان احادیثی طولانی است؛ که خود طولانی‌بودن، شبهه جعل را زیاد می‌کند. افزون بر اینکه به‌طور معمول در روایات طولانی، دو شکل از امور غریب قابل مشاهده است:

الف. ثواب‌های بسیار که برای زیارت همه انمه، به‌ویژه حضرت سید الشهدا علیه السلام بیان شده است؛ و زیارت حضرت را برابر با حج‌ها و عمره‌ها دانسته، و پاداش‌هایی را بر آن آورده است. اگر مراد از امور غریبه در کامل الزیارات چنین باشد، لازم است دقت شود که:

۱. ر.ک: نجاشی، فهرست، ص ۱۲۲، رقم ۳۱۳.

یکم؛ ابن قولویه در باب پنجاه و چهارم، «ثواب من زار الحسين عليه السلام عارفاً بحقه» را بیان کرده، و نوزده روایت را می‌آورد. مطابق عنوان باب، همه فضیلت‌هایی که برای زیارت یاد شده است، بازگشت به زیارت با معرفت دارد؛ نه هر نوع زیارتی.

بله؛ اگر این‌گونه بود که همه زائران حضرت سید الشهداء عليه السلام - هرچند هیچ‌گونه ارتباط قلبی و معرفتی نیز با حضرت نداشته باشند- برخوردار از همه ثواب‌های ذکر شده هستند؛ امکان تأمل در چنین چیزی وجود داشت.

دوم؛ با توجه به سختی زیارت در آن دوران، و مشکلاتی که دشمنان در سر راه زیارت حضرت ایجاد کرده بودند که خود زیارت را به نوعی جهاد تبدیل کرده بود؛ به‌طور طبیعی، اجر و پاداش آن نیز بالا خواهد بود.

سوم؛ بسیاری از احادیث ثواب زیارت ائمه، متواتر معنوی هستند؛ و از مجموع آنها این سخن ابن قولویه استفاده می‌شود که فرموده است: خدای متعال پیامبر خود را به محبت ایشان امر فرموده، و نیکی و زیارت آنان، در زمان حیات و پس از شهادت ایشان را سفارش کرده است؛ و ثوابی برای آن قرار داده است که در او هام نگنجد، و دست بشر بدان نمی‌رسد.^۱

ب. مراد از امور غریب، اموری است که در برخی از روایات عبد الله بن عبد الرحمن اصم وجود دارد؛ مثل گریه آسمان و زمین، کوه‌ها، دریاها، و مانند آن بر حضرت سید الشهداء عليه السلام.

اگر منظور سید سیستانی چنین چیزی باشد؛ پاسخ این است که این روایات، تنها در کتاب کامل الزیارات نیامده است؛ بلکه در بحار الأنوار نیز از منابعی، غیر از کتاب کامل الزیارات نقل شده است. در ادامه نمونه‌هایی ذکر می‌گردد:

۱. در باب ۴۰؛ علامه مجلسی ۴۸ روایت را تحت عنوان «ما ظهر بعد شهادته من بقاء السماء والأرض عليه و إنكساف الشمس والقمر وغيرها» ذکر می‌کند.^۲
۲. در باب ۴۱؛ ایشان ۲۴ روایت را در مورد «ضجيج الملائكة» آورده است.^۳

۱. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳.

۲. یعنی اتفاقاتی که پس از شهادت حضرت سید الشهداء عليه السلام رخ داد؛ مثل گریه آسمان و زمین بر ایشان، گرفتگی خورشید و ماه، و غیر این اتفاقات. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۰۱.

۳. یعنی ضجه زدن و گریه و زاری ملائکه [در شهادت حضرت سید الشهداء عليه السلام]. همان، ج ۴۵، صص ۲۲۰ تا ۲۲۹.

۳. در باب ۴۲؛ چهار روایت را در مورد «رؤية أم سلمة و غيرها رسول الله ﷺ في المنام وإخباره بشهادة الكرام» آورده است.^۱

۴. در باب ۴۳؛ سیزده روایت را در مورد گریه جنیان آورده است.^۲
بنابراین و نیز با توجه به تواتر معنوی ای که از این روایات به دست می آید، نمی توان همه روایات را جعلی دانست.

افزون بر اینکه عزاداری در مصیبت حضرت سید الشهداء علیه السلام اختصاص به شیعیان، و مخلصان ندارد؛ بلکه با پشتوانه آیات الهی؛ همه عالم عزادار در این مصیبت عزادار بوده است. قرآن کریم می فرماید: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ»^۳؛ «وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا»^۴. برابر این آیات، همان طور که درک تسبیح و سجده زمین و آسمان، قابل درک بشر نیست، به طور طبیعی، سوگواری آنها نیز در فهم انسان ها نمی گنجد.

۲. بررسی آماری روایات عبد الله اصم در کامل الزیارات

افزون بر مطالب گذشته، با جست و جو در کتاب کامل الزیارات می توان دریافت که تعداد ۳۳ روایت از عبد الله بن عبد الرحمن الأصم نقل شده است؛ که از این مقدار:

الف. تعداد ۲۹ روایت به نقل از محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری (شیخ ابن قولویه) از پدر خود، یعنی عبدالله بن جعفر است. عبد الله بن جعفر از اجلای راویان، و چهره سرشناس امامیان بوده^۵ و پسر او نیز که شیخ ابن قولویه است، از موثقان قطعی و کسی است که به قول نجاشی با امام عصر علیه السلام مکاتبه داشته است.^۶

۱. یعنی روایات بیان گر مشاهده حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در خواب، توسط بانوام سلمه رضی الله عنهما و دیگران؛ که حضرت از شهادت سید الشهداء علیه السلام خبر داده است. همان، ج ۵، صص ۲۳۰ تا ۲۳۲.

۲. ر.ک: همان، صص ۲۳۳ تا ۲۴۱.

۳. سوره اسراء، آیه ۴۴؛ و هیچ چیزی نیست مگر اینکه همراه با ستایش، تسبیح او می گوید، ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید.

۴. سوره رعد، آیه ۱۵؛ کسانی که در آسمان ها و زمین هستند، از روی میل و رغبت، یا بی میلی و کراهت برای خدا سجده می کنند.

۵. نجاشی، فهرست، ص ۲۱۹، رقم ۵۷۳.

۶. همان، ص ۳۵۵، رقم ۹۴۹.

ب. تعداد ۲ روایت به نقل از محمد بن حسن بن ولید، استاد شیخ صدوق است که نقاد حدیث، و بزرگ قم به شمار می‌آمده است.^۱

ج. یک روایت به نقل از محمد بن قولویه؛ پدر صاحب کامل الزیارات است که در بزرگی او سخنان بسیاری گفته شده، و از ثقات اصحاب محسوب می‌شود.^۲

د. یک روایت نیز به نقل از محمد بن حسن بن علی بن مهزیار است که ناقدانی همچون محقق خویی - با نقد تامی که در رجال دارد - ایشان را به جهت آنکه از مشایخ ابن قولویه است، موثق می‌داند.^۳

بنابراین آشکار می‌شود نقل ابن قولویه از کتاب مزار عبد الله بن عبد الرحمن الأصم، سنجدیده نبوده؛ و همه آن روایات را یاد نکرده است؛ بلکه تنها ۳۳ روایت که از طریق افراد موثق و مورد اطمینان به دست وی رسیده بوده را آورده است؛ مشایخ ثقاتی که دو نفر از آنان نقاد حدیث بوده و هر حدیثی را نمی‌پذیرفته‌اند. از این رو، این ۳۳ روایت، هم مورد سنجش خود ابن قولویه، و هم مشایخ نقاد ایشان قرار گرفته و برگزیده شده است.

۳. بیان موارد نقل روایات عبد الله اصم توسط بزرگان امامیه

اگر چه عبد الله بن عبد الرحمن اصم، در بیان دانشمندان رجال، تضعیف شده است؛ ولی باید توجه داشت که از بزرگان ثقات امامیان نیز کسانی بوده‌اند که مستقیم از وی روایت نقل کرده‌اند؛ از جمله:

الف. محمد بن حسین بن ابو الخطاب. نجاشی در مورد او می‌نویسد: «جلیل من اصحابنا، عظیم المنزلة، کثیر الروایة، ثقة عین».^۴ در این تعبیر، افزون بر تعابیر جلیل، منزلت بزرگ، کثرت روایت و وثاقت؛ تعبیر «عین» نیز در مورد وی به کار رفته است.

۱. همان، ص ۳۸۳، رقم ۱۰۴۲.

۲. همان، ص ۱۲۳، رقم ۳۱۸.

۳. خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۲۵۷.

۴. ابن غضائری، رجال، ص ۷۶، رقم ۸۷؛ و نجاشی، فهرست، ص ۲۱۷، رقم ۵۶۶.

۵. اردبیلی، جامع الرواة، صص ۴۹۴ و ۴۹۵.

۶. نجاشی، فهرست، ص ۳۳۴، رقم ۸۹۷.

ب. ابراهیم بن هاشم قمی. وی نخستین راوی نشر دهنده احادیث کوفیان در قم است.^۱ از این رو این گونه نبوده است که همه روایات عبد الله اصم کنار گذاشته شود؛ و همگان، روایات او را دال بر خبث عظیم بدانند. افزون بر اینکه تضعیف‌های ابن غضائری به طور معمول، اجتهادی هستند.

پس می‌توان گفت: ۳۳ روایتی که ابن قولویه از عبد الله اصم، در کامل الزیارات آورده است، دارای امور عجیب و غریب، و دور از ذهن نیستند؛ و بر فرض غرابت آن احادیث نیز بهتر این بود که محقق سیستانی این روایات را خارج از فهم ما می‌دانست؛ چه اینکه بین روایات مجعول و ضعیف، و روایاتی که از درک ما خارج است تفاوت هست. بدین سبب باید بین روایات تفکیک نمود، و فهم چنین روایاتی را به اهل آن واگذار کرد؛ و الا نسبت جعل به عبد الله اصم خلاصه نخواهد نشد، و خوف آن وجود دارد که چنین نسبتی به روایات معتبر، و دارای تواتر معنوی نیز کشیده شود.

دوم؛ نقد دیدگاه آیت الله سیستانی نسبت به روایات جعفر بن محمد بن مالک فزاری شخصیت دیگری که آیت الله سیستانی بر آن تأکید دارد؛ جعفر بن محمد بن مالک فزاری است. در مورد روایات ایشان در کامل الزیارات نیز باید گفت:

اولاً؛ آنچه ابن قولویه از کتاب «مزار» ایشان در کامل الزیارات یاد کرده، تنها شش روایت است؛ و ابن قولویه همه آنها را از طریق ابوعلی محمد بن همام نقل می‌کند که از اجلای طائفه بوده، و نجاشی نیز از وی با تعبیر «شیخنا النبیل الثقة» یاد می‌کند.^۲ ثانیاً؛ ریشه تضعیف جعفر بن محمد بن مالک فزاری توسط نجاشی، سخن ابن غضائری است که تضعیفات او، در اکثر موارد، اجتهادی است. توضیح اینکه: ابن غضائری در دو مورد نام جعفر را آورده است:

نخست؛ در رقم ۲۷ می‌نویسد: «کذاب، متروک الحدیث جملة، و فی مذهبه ارتفاع، و یروی عن الضعفاء و المجاهیل، و کلّ عیوب الضعفاء مجتمعاً فیہ.»^۳

۱. همان، ص ۱۶، رقم، رقم ۱۸.

۲. نجاشی، فهرست، ص ۱۲۲، رقم ۳۱۳.

۳. ابن غضائری، رجال، ص ۴۸.

دوم؛ در رقم ۳۷ می‌گوید: «لا أعرفه إلا أن جعفر بن محمد بن مالك روى عنه أحاديث فاسدة.»^۱

نجاشی با استناد به سخن وی می‌نویسد: «قال أحمد بن الحسين: كان يضع الحديث وضعاً ويروي عن المجاهيل، وسمعت من قال: كان أيضاً فاسد المذهب والرواية ولا أدري كيف روى عنه شيخنا النبيل الثقة أبو علي بن همام، و شيخنا الجليل الثقة أبو غالب الزراري.»^۲

بنابراین تعجب نجاشی نیز جای نخواهد داشت؛ چراکه مشایخ وی، مثل ابو علی بن همام و ابو غالب رازی و دیگران، پس از نقادی احادیث، آنها را نقل کرده‌اند؛ نه اینکه ایشان هر حدیثی را از جعفر بن محمد بن مالك فزاری نقل کنند.

ثالثاً؛ روایات جعفر بن محمد بن مالك نیز هیچ نکته غیر قابل پذیرش و غریبی ندارد. بنا بر آنچه گفته شد، شبهه آیت الله سیستانی مبنی بر وجود روایات «عجیب و غریب» در کامل الزیارات وارد نیست؛ و وجود عاملی در جعل احادیث به نام ترغیب افراد به کارهای خیر، و دور کردن ایشان از امور شر را باید در غیر از این کتاب جستجو کرد.

جمع بندی و نتیجه گیری

در این نوشتار ثابت شد که دیدگاه آیت الله سیستانی درباره مقدمه کتاب کامل الزیارات - که در رساله «لا ضرر ولا ضرار» مطرح شده است - قابل ملاحظه است؛ و این مقدمه خالی از فایده رجالی نیست؛ چراکه وثاقت مشایخ بی واسطه ابن قولویه با آن قابل اثبات است. همچنین دیدگاه ایشان در بحث «تعارض الأدلة و اختلاف الحدیث» مبنی بر وجود روایات مجعول غریب در این کتاب که توسط راویان، با انگیزه ترغیب به خیرات و بازداشتن از بدی‌ها جعل شده است، محل اشکال می‌باشد؛ چون این روایات دارای غرابت نیستند، و در هر حال بهتر است که فهم ما و نه اصل روایات، مورد تخطئه قرار گیرد.

حاله پژوهشها

سال هفتم، شماره ۷، سال ۱۴۰۳

۱. همان، ص ۵۳.

۲. نجاشی، فهرست، ص ۱۲۲، رقم ۳۱۳.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، ج ۲، ۱۳۴۱ق.
۲. ابن فارس، احمد بن زکریا، معجم مقائیس اللغة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۱، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، محقق: محمدرضا حسینی جلالی، قم، دار الحدیث، چ ۱، ۱۳۸۰ش.
۴. ابو ریّ، محمود، أضواء علی السنة المحمدیة، قم، انصاریان، چ ۱، ۱۴۲۰ق.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات اسلامی، چ ۲، ۱۳۴۱ق.
۶. ابن فارس، احمد بن زکریا، معجم مقائیس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۱، ۱۴۰۴ق.
۷. ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، قم: دار الحدیث، چ ۱، ۱۳۸۰ش.
۸. ابو ریّ، محمود، أضواء علی السنة المحمدیة، قم: انصاریان، چ ۱، ۱۴۲۰ق.
۹. آجورلو، حسین، «بررسی وثاقت راویان کامل الزیارات با تأکید بر دیدگاه آیت الله العظمی خامنه‌ای مدّ ظله العالی»، پژوهشنامه فقه و علوم اسلامی، شماره پنجم، تابستان ۱۴۰۲ش.
۱۰. اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواة و إزاحة الاشتباهات عن الطرق و الأسناد، بیروت: دار الأضواء، چ ۱، ۱۴۰۳ق.
۱۱. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان: دار العلم، چ ۱، ۱۴۱۲ق.
۱۲. افندی، عبدالله بن عیسی بیگ، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، چ ۱، ۱۴۳۱ق.
۱۳. امین، محسن، أعیان الشیعة، بیروت: دار التعارف، چ ۱، ۱۴۰۳ق.
۱۴. پورموسی، مجتبی، «واکاوی ابهامات درباره انتساب کامل الزیارات به ابو قولویه»، فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (ع.ا.ه)، شماره ۵۴، تابستان ۱۴۰۱ش.
۱۵. تبریزی، جواد بن علی، صراط النجاة، قم: نشر برگزیده، چ ۱، ۱۴۱۶ق.
۱۶. خویی، ابو القاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال، [بی‌جا]: [بی‌نا]، ۱۳۷۲ش.
۱۷. سیستانی، علی، قاعدة لا ضرر و لا ضرار، قم: دفتر آیه الله سیستانی، چ ۱، ۱۴۱۴ق.
۱۸. _____، تعارض الأدلة و اختلاف الحدیث، [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۱۹. _____، حجیة خبر الواحد، [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۲۰. شبیری زنجانی، موسی، «کامل الزیارات و شهادت ابن قولویه به وثاقت راویان»، پژوهش‌های رجالی، شماره ۱، قم: مدرسه فقهی امام باقر (ع.ا.ه)، ۱۳۹۷ش.

٢١. صفدى، خليل بن ابيك، الوافي بالوفيات، بيروت: دار النشر، ج٢، ١٤٠١ق.
٢٢. طوسى، محمد بن حسن، الفهرست، نجف: مكتبة الرضوية، ج١، ١٣٥٦ق.
٢٣. عاملى، محمد بن حسن شيخ حر، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ج١، ١٤٠٩ق.
٢٤. فيومى، احمد بن محمد مقرئ، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، قم: دار الرضى، ج١، [بى تا].
٢٥. قمى، ابن قولويه، ابو القاسم، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، نجف: دار المرتضوية، ج١، ١٣٩٨ق.
٢٦. قمى، تقى طباطبايى، مباني منهاج الصالحين، قم: منشورات قلم الشرق، ج١، ١٤٢٦ق.
٢٧. قمى، عباس، الكنى و الألقاب، تهران: مكتبة الصدر، ج٥، ١٣٦٨ش.
٢٨. مامقانى، عبدالله، تنقيح المقال في علم الرجال، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ج١، ١٤٣١ق.
٢٩. مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، بيروت: مؤسسة الوفاء، ج٢، ١٤٠٣ق.
٣٠. محمدى رى شهرى، محمد، شناخت نامه حديث، قم: دار الحديث، ج١، ١٣٩٧ش.
٣١. مدنى، عليخان بن احمد، الطراز الأول و الكناز لما عليه من لغة العرب المعول، مشهد: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ج١، ١٤٢٦ق.
٣٢. نجاشى، ابو الحسن، احمد بن على، فهرست أسماء مصنفى الشيعة، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ج١، ١٤٠٧ق.
٣٣. نورى، محدث، ميرزا حسين، خاتمة المستدرک، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ج١، ١٤١٧ق.